

مکتب روان‌شناسی وحدت‌مدار

مقایسه‌ی تطبیقی با مکاتب:

روان‌تحلیلی، رفتارگرایی، انسان‌گرایی، وجودگرایی،

شناخت‌گرایی، گشتالت، معناگرایی و...

دکتر علی زاده‌محمدی

فهرست

۱۷	مفروضات و مفاهیم ساختاری مکتب روان‌شناسی وحدت
۱۷	هفت مفروضه‌ی مکتب روان‌شناسی وحدت مدار
۱۹	مفاهیم کلیدی مکتب روان‌شناسی وحدت
۱۹	تعریف روان‌شناسی
۱۹	مفهوم فطری بودن
۲۰	مفهوم سرشت و سرنوشت
۲۰	مفهوم انگیزش
۲۱	مفهوم علیت
۲۱	مفهوم اراده
۲۲	مفهوم منطقی بودن
۲۲	مفهوم معناداری زندگی
۲۳	مفهوم جزء و کل‌گرایی
۲۳	مفهوم صفت و استعدادگرایی
۲۴	مفهوم هشیار و ناهشیار
۲۵	مفهوم «خود» و «من»
۲۵	مفهوم ثبات و تغییرپذیری
۲۵	مفهوم تحول‌گرایی و خودشکوفایی
۲۶	مفهوم واقعیت‌گرایی
۲۷	مفهوم قابلیت شناخت
۲۷	مفهوم منحصربه‌فردی
۲۸	مفهوم جاودانگی و ماندگاری
۲۸	مفهوم انسان کامل
۲۹	مفهوم تحلیل‌روانی
۲۹	مفهوم اعتبار تجربی
۳۰	مفهوم کاربردی

۴۹	نسبی‌نگری
۵۰	روح غیرمادی و جاودان
۵۰	انسان‌گرایی در برابر خداگرایی قرار ندارد
۵۲	مفهوم روح و روان در روان‌شناسی وحدت‌مدار
۵۳	روح در اولین لحظه‌ی شکل‌گیری نطفه شکل می‌گیرد
۵۳	روح شخصی وابسته‌ی ذاتی به جسم نیست
۵۴	روان و روح تجلی حواس و ظرفیت‌های مغزی جسم
۵۵	تناسخ و کارما
۵۶	مانند پرنده‌ای سبک‌بال
۵۶	مانند پروانه‌ی کرم ابریشم
۵۶	اولویت به وضعیت عناصر جسمی و مغزی
۵۷	شخصیت
۵۸	شخصیت از نظر وحدت
۵۸	شخصیت هر فرد بی‌همتا است
۵۹	سرشت و فطرت
۵۹	فطرت، نظامی تحولی و پویاست
۶۰	بدیهیات فطری
۶۰	غرایز امری فطری و الهی است
۶۰	فطرت نیست نمی‌شود
۶۱	فطرت رشد می‌کند
۶۲	خود، خودآگاه و ناخودآگاه در روان‌شناسی وحدت‌مدار
۶۳	روان و لایه‌های هشیار و ناهشیار
۶۴	ناخودآگاه فضایی شهودی است
۶۴	با نظر فروید تفاوت دارد
۶۴	ناخودآگاه از خودآگاه جدا نیست
۶۵	کارکرد مثبت و یا منفی دارد
۶۵	ظرفیت نوری بسیار گسترده
۶۵	یک مثال
۶۶	روشن‌شدگی
۶۶	اضداد را در خود جا می‌دهد

۳۰	مفهوم جامعیت
۳۰	مفهوم وحدت‌درمانی
۳۱	مفهوم وحدت‌جو
۳۱	مفهوم وحدت‌درمانگر
۳۱	مفهوم اتصال وحدانی
۳۱	مفهوم تضاداندیشی
۳۳	جهان‌شناختی مکتب روان‌شناسی وحدت‌مدار
۳۴	مقایسه‌ی تطبیقی
۳۴	جهان‌شناسی وحدت
۳۵	چهار محور بنیادی
۳۵	نیروی وحدت‌طلبی
۳۶	نیروی کثرت‌طلبی
۳۶	نیروی تحول‌طلبی
۳۶	نیروی عشق
۳۷	جهان‌بینی طبیعت‌گرایی
۳۸	طبیعت‌گرایی و جهان‌شناسی وحدت
۳۸	جهان‌بینی رئالیسم
۳۸	رئالیسم و جهان‌شناسی وحدت
۳۹	جهان‌بینی ایده‌آلیسم
۳۹	ایده‌آلیسم و جهان‌شناسی وحدت
۴۰	پراگماتیسم
۴۱	پراگماتیسم و جهان‌شناسی وحدت
۴۲	جهان‌بینی اگزستانسیالیسم
۴۴	اگزستانسیالیسم و جهان‌شناسی وحدت
۴۵	آزادی و مسئولیت‌پذیری
۴۵	اضطراب و جدایی
۴۶	اضطراب ذاتی انسان نیست
۴۷	ضد اضطراب و تشویش
۴۸	پدیدارشناسی
۴۸	پدیدارشناسی و جهان‌شناسی وحدت

۸۶	اتصال خوداتکا
۸۷	اتصال وابسته
۸۸	اتصال‌های ناقص از منظر دیگر
۸۸	اتصال کینه ورزانه
۸۸	اتصال حریصانه
۸۸	اتصال خودخواهانه
۸۹	اتصال تحقیرگرانه
۸۹	اتصال حقیرانه
۸۹	اتصال فریبکارانه
۸۹	اتصال کامل: اتصال وحدانی
۹۱	مقایسه‌ی تطبیقی روان‌شناسی وحدت‌مدار با دیگر مکاتب روان‌شناسی
۹۱	روان‌شناسی وحدت‌مدار و رویکرد روان‌تحلیلی
۹۳	ناخودآگاه فضای سرکوبی‌ها نیست
۹۳	نیروهای ناهشیار در اصل هشیارند
۹۴	در اثر توجه و شکیبایی
۹۴	نگاه فروید همه‌جانبه نیست
۹۵	مراحل رشد جنسی از نظر فروید
۹۵	غریزه‌ی مرگ و زندگی
۹۷	هم‌ترازی نیرو
۹۷	نیروی فطری واحد
۹۸	رویا و خواب
۹۹	تمدن بشری مدیون حواس شهودی است
۱۰۰	ناهشیار، شعور باطنی دارد
۱۰۰	عادت‌ها، ناخودآگاه عمل می‌کنند
۱۰۱	مکانیسم‌های دفاعی یا عادت‌ها
۱۰۱	بیانی جدید از تعبیر قدیمی
۱۰۲	وجدان، ظرفیت شهودی شناختی
۱۰۳	فضایل اخلاقی، تمایل وجدانی است
۱۰۴	دین موضوعی توهمی و خیالی نیست
۱۰۵	اخلاق از نظر فروید

۶۷	توجه و تمرکز
۶۸	مفهوم انگیزه در روان‌شناسی وحدت‌مدار
۶۹	انگیزه در مکاتب مختلف
۶۹	نیروی عشق شفابخش است
۷۰	مفهوم خودشکوفایی در مکتب روان‌شناسی وحدت‌مدار
۷۰	غایت‌مداری علت خودشکوفایی
۷۱	بازگشایی خویشتن در وجود یگانه
۷۱	هدف نهایی و غایی
۷۱	هر نقصی غایت را می‌شکافد
۷۳	جبر و اختیار در مکتب روان‌شناسی وحدت‌مدار
۷۳	از نظر فروید اراده‌ی آزاد وجود ندارد
۷۴	یونگ دیدگاه جبرگرایانه نداشت
۷۴	رفتارگرایان هم جبرگرا بودند
۷۴	سبک زندگی منحصر به فرد نشانه‌ی اراده‌ی آزاد
۷۴	نظر اریک فروم بینابین بود
۷۵	روان‌شناسان انسان‌گرا
۷۵	اراده‌ی آزاد از نظر اریکسون
۷۵	جورج کلی: بشر دارای اراده‌ی آزاد
۷۵	بندورا و جبر متقابل
۷۶	در نظر کتل اراده‌ی آزاد وجود ندارد
۷۶	اراده‌ی پیوسته
۷۷	همه‌ی اعمال و رفتار انتخاب می‌شوند
۷۸	انسان کامل در مکتب روان‌شناسی وحدت‌مدار
۷۸	انسان وحدت‌یافته (متصل)
۸۰	ویژگی‌های انسان متصل (وحدت‌یافته)
۸۳	انسان تحول‌نیافته (اتصال ناقص)
۸۳	انواع اتصالات تحول‌نیافته
۸۳	اتصال خودمحور
۸۵	اتصال کثرت‌طلب
۸۵	اتصال خشک و بی‌انعطاف

۱۳۷	ظرفیت‌های استنباطی و شهودی
۱۳۷	ارزش‌ها و عقاید
۱۳۸	روان‌شناسی وحدت‌مدار و رویکرد شناخت‌گرایی
۱۳۹	حل مسئله
۱۳۹	روش عقلانی - عاطفی آلبرت ایس
۱۴۲	روان‌شناسی وحدت‌مدار و رویکرد هیجان‌مدار
۱۴۵	روان‌شناسی وحدت‌مدار و رویکرد روان‌شناسی صفات
۱۴۶	ظرفیت عینی و ذهنی
۱۴۷	روان‌شناسی وحدت‌مدار و رویکرد روان‌شناسی گشتالت
۱۴۹	روان‌شناسی وحدت‌مدار و رویکرد معناگرایی فرانکل
۱۵۰	بیماری خلأ وجودی
۱۵۰	جراحی وجدان
۱۵۱	یافتن معنا از طریق رنج
۱۵۲	دین از نظر فرانکل
۱۵۳	منشأ معنویت، خلاقیت و دین
۱۵۴	روح از نظر فرانکل
۱۵۵	ناخودآگاه مثبت
۱۵۵	انسان به‌طور فطری معنا دارد
۱۵۵	احساس تنهایی و خلأ
۱۵۶	هیچ‌کس خود معنا را نمی‌سازد
۱۵۶	پرسش‌گری، معنویت است
۱۵۸	روان‌شناسی وحدت‌مدار و رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا
۱۶۰	برون‌گرایی و درون‌گرایی
۱۶۵	وحدت‌درمانی
۱۶۵	فرض‌های روش وحدت‌درمانی
۱۶۸	نمایی کلی از روش وحدت‌مدار
۱۶۹	شناسایی گره‌های عشق
۱۷۰	مثال یک: احساس از دست‌دادگی
۱۷۰	مثال دو: وحشت از ناداری
۱۷۱	مثال سوم: ترس از رقیب

۱۰۶	اخلاق ظرفیتی فطری است
۱۰۷	ارزش‌های دینی
۱۰۹	روان‌شناسی وحدت‌مدار و رویکرد نو روان‌کاوان
۱۰۹	یونگ
۱۱۰	روان‌شناسی وحدت و ناخودآگاه جمعی
۱۱۲	خیر و شر
۱۱۲	حساسیت‌های سرشتی و خیالی
۱۱۳	مفهوم تفرد و انسان کامل یونگ
۱۱۴	خودشکوفایی
۱۱۴	تجلی یک طیف
۱۱۵	«سایه» همان غرایز اولیه است
۱۱۶	سایه در نگاه مکتب روان‌شناسی وحدت
۱۱۶	آنیما و آنیموس خصایص زنانه و مردانه
۱۱۷	«نقاب» در نگاه یونگ
۱۱۷	مفهوم هم‌زمانی یونگ
۱۱۸	هم‌زمانی از نظر روان‌شناسی وحدت‌مدار
۱۲۰	دین و یونگ
۱۲۱	دین از نظر روان‌شناسی وحدت
۱۲۱	خدا در روان‌شناسی وحدت‌مدار
۱۲۲	اغراق در توصیف الگوهای کهن
۱۲۳	روان‌شناسی وحدت‌مدار و رویکرد آلفرد آدلر
۱۲۴	نیل به وحدت و کمال محرک اصلی
۱۲۶	روان‌شناسی وحدت‌مدار و رویکرد کارن هورنای
۱۲۹	روان‌شناسی وحدت‌مدار و رویکرد روان‌شناسی انسان‌گرایی
۱۳۱	روان‌شناسی وحدت‌مدار و رویکرد روان‌شناسی زیستی
۱۳۳	روان‌شناسی وحدت‌مدار و رویکرد رفتارگرایان
۱۳۴	فطرت انگیزه‌ی اصلی است
۱۳۴	به دلیل غیرقابل مشاهده بودن
۱۳۵	رفتارگرایان جبری‌نگرند
۱۳۶	روان‌شناسی وحدت‌مدار و رویکرد روان‌شناسی یادگیری اجتماعی

۲۰۷	تمرین ارتباط همدلانه
۲۰۷	تمرین خدمت وحدانی
۲۰۸	تقدیر وحدانی از دیگران
۲۰۸	تمرین بخشش وحدانی
۲۰۸	تمرین وحدانی با هنر
۲۰۸	تمرین سفر وحدانی
۲۰۹	ج: تمرین های ارتباط وحدانی با عالم
۲۰۹	تمرین یگانگی با طبیعت
۲۰۹	تمرین اتصال به عالم
۲۰۹	تمرین اتصال وحدانی با اشیا
۲۱۰	تقدیر وحدانی از عالم
۲۱۰	تمرین صبحانه ی وحدانی
۲۱۱	شوق وحدانی
۲۱۱	تمرین حضور در شکیبایی طبیعت
۲۱۱	تمرین حضور در درخت
۲۱۲	تمرین حضور وحدانی در صحرا یا کوه
۲۱۲	تمرین حضور در دریا
۲۱۳	تمرین اتصال با آب
۲۱۳	تمرین اتصال حرکتی
۲۱۳	تمرین منظر خدایی
۲۱۳	تمرین مشاهده از عالم رحمی
۲۱۴	تمرین مشاهده از عالم دیگر
۲۱۴	استفاده از این تمرینات در جلسات وحدت درمانی
۲۲۰	وحدت درمانگر
۲۲۰	مراجع، درمانگر را هم توسعه می دهد
۲۲۱	پیام آخر
۲۲۳	منابع

۱۷۱	مثال چهارم: گوش به زنگی و کنترل گری
۱۷۱	مثال پنجم: ترس از تنهایی و رهاشدگی
۱۷۲	مثال ششم: ترس از بی همدمی
۱۷۳	مثال های دیگر
۱۷۴	پرسش های وحدانی
۱۹۵	بخش هایی از جلسات
۱۹۷	مقابله ی وحدانی
۱۹۸	الف: تمرینات توجه به خویشتن
۱۹۸	تمرین تحلیل خویشتن با مدارهای وحدانی
۱۹۹	روایت فصول وحدانی زندگی
۱۹۹	تمرین مرور خُلق
۱۹۹	تمرین ادراک روح مجرد
۲۰۰	تمرین تقدیر وحدانی از خود
۲۰۱	تمرین غرق در شکرگزاری
۲۰۱	تمرین تسلیم وحدانی
۲۰۱	تمرین غرق در اتصال
۲۰۱	تمرین خلوص وحدانی
۲۰۲	تمرین خوشحالی
۲۰۲	تمرین تأمل بر حکمت های وحدانی
۲۰۲	حضور در حکمت باطنی عالم
۲۰۳	تمرین حضوری اکتشافی
۲۰۳	تمرین اتصال الهامی و روشن بینی
۲۰۳	تمرین بیان حال با پروردگار
۲۰۴	اتصال با مغناطیس شفا بخش
۲۰۴	تمرین تسلیم و رضایت وحدانی
۲۰۵	توصیه نامه برای توسعه ی خود آگاهی
۲۰۵	تمرین خودگویی وحدانی
۲۰۶	تمرین پرسش های وحدانی
۲۰۷	رنج و غم چه می گوید
۲۰۷	ب: تمرین ارتباط وحدانی با دیگران

زندگی برای ایجاد زندگی رضایت‌بخش و سعادت‌مند است. مراجع با کشف معنا و پیوستگی و حضور وحدانی در جهان ادراک‌ها نایل آمده و به نگرش تازه‌ای از زندگی، رابطه با دیگران و حضور در جهان دست می‌یابد که راهنما و راه‌گشای فطرت و ارتباط سازنده و رضایت‌بخش او با خود، محیط و جهان است.

هر نظریه‌ی روان‌شناختی لازم است تا رابطه‌ی خود را با محیط و جهان بیرون تعریف کند. برخی از مکاتب روان‌شناسی مانند انسان‌گرایی بر اساس مدرنیسم و یا فلسفه‌ی اگزیستانسیال، مفاهیم خود را توصیف و توجیه کرده‌اند، یا مکتب روان‌شناسی رفتارگرایی بر اساس محیط‌گرایی و فلسفه‌ی ماتریالیستی، مفاهیم خود را تبیین می‌کنند. مکتب روان‌شناسی وحدت‌مدار هم بر حکمت و فلسفه‌ی وحدت، مفاهیم خود را بنا کرده است که سابقه‌ی کهن و مستحکمی در معرفت و جهان‌شناسی بشری دارد و فصل حکمت نوین آن در این عصر آغاز شده است.

مفهوم «وحدت» پیش‌تر به‌صورت نگرش فلسفی و حکمت در متون شعر و ادبیات جهان انعکاس داشته ولی به‌صورت مکتبی نظام‌مند در حوزه‌ی روان‌شناسی مطرح نشده است. در این کتاب جنبه‌ی روان‌شناختی این فلسفه‌ی جهانی بیش‌تر پرورده شده و به شکل یک نظام و مکتب روان‌شناختی متمایز از دیگر مکاتب ارائه شده است.

در نگاه مکتب روان‌شناسی وحدت، وجه شهودی مغز انسان، پیشینی‌ترین بخش درک، خلاقیت و معرفت انسانی است و حواس مغزی متعددی کارشان ادراک شهودی است و استفاده از ظرفیت آن در آموزش و مداخلات روان‌شناختی امری ضروری است.

تمام وجود انسان وحدت است و زندگی او سرنوشتی وحدت‌مدار دارد که کار وحدت‌درمانگر کشف این وحدت و شناسایی معنای زندگی است. هر کس وجود برگزیده‌ی عالم است که با سیر وحدانی در خویشتن می‌تواند شکوفایی خود را کشف کند.

سپاس و ستایش شایسته‌ی ذات یگانه‌ی توست که با نیروی بی‌انتهای خود، همه را به وحدت و رحمت بی‌انتهای خویش وصل کردی و به‌سوی غایت خود هدایت. لطف و موهبت بی‌حد تو را همواره یادآورم که اندیشه‌ی حکمت نوین را با تجلی رهنمون وحدت نوین، توشه‌ی راهم ساختی و تحولی بزرگ بر زندگی‌ام گشودی.

علی زاده محمدی

مفروضات و مفاهیم ساختاری مکتب روان‌شناسی وحدت

در هر مکتب و نظریه‌ای مفروضات و مفاهیم کلیدی وجود دارد که فهم ساختار و شاکله‌ی آن فهم مکتب را شفاف و آسان می‌کند. در آغاز به اصلی‌ترین مفروضات و مفاهیم این مکتب اشاره می‌شود.

هفت مفروضه‌ی مکتب روان‌شناسی وحدت‌مدار

اول: زندگی هر کس تحت هر شرایطی وحدت است و رفتار و وجود انسان غایت‌مدار است و سیری وحدانی داشته و لحظه به لحظه‌ی آن، هدف و معنایی باطنی را دنبال می‌کند. لذا هر اتفاقی، چه حاوی رنج‌ها و شکست‌ها و چه خوشی‌ها و موفقیت‌ها، در خود هدف و معنا دارد و مسیر تعالی را می‌پیماید.

دوم: سرشت و سرنوشت هر کس منحصر به فرد است و کلید شکوفایی و توسعه و موفقیت اوست. سرشت همان ساختار ژنتیک است که در فطرت آن حکمت و هدایت نهفته است و سرنوشت و تعامل سرشت با محیط که زندگی بی‌همتا و ضروری هر شخص را شکل می‌دهد. و هر اتفاقی که در سرنوشت هر شخص پیش می‌آید در اثر هم‌افزایی نیازهای متعدد درونی و تعامل بیرونی شرایط اوست و حکمتی تحولی و روبه جلو دارد.

سوم: روان‌شناسی وحدت‌مدار معتقد به ویژگی‌های فطری است که به‌طور بالقوه نقشه‌ی

سرنوشت، انگیزه و استعداد‌های غایی را در خود دارد و در محیط می‌گشاید و انسان با شناسایی علایق و استعداد‌های فطری راه رشد و تلاش را کشف و آشکار می‌کند و در آن راه می‌یابد.

چهارم: هر رفتار و اتفاقی شامل برآیند مجموعه‌ای از تعاملات است که به‌طور هم‌زمان و با هدفی غایی و هدایتی درونی (وحدانی) در کنار هم قرار می‌گیرند و بر هم اثر می‌گذارند. لذا هر رفتار یک علت خطی ندارد و مجموعه‌هایی از عوامل هم‌زمان، یک اتفاق را شکلی دوری و حلزونی می‌دهند. خواست و اراده‌ی انسان یکی از عوامل مؤثر است اما همه‌ی علت نیست. در نگاه وحدت‌مدار هر اتفاقی، همه‌ی گذشته، حال، آینده، بالا، پایین، چپ و راست خود را رصد می‌کند و بعد شکل می‌گیرد. و همه‌ی تجارب قبلی از بخش و فقدان تا شادمانی و موفقیت‌ها به وضعیت فعلی شخص معنا می‌دهند.

مفاهیم کلیدی مکتب روان‌شناسی وحدت

از خواننده‌ی محترم دعوت می‌شود تا برای فهم عمیق‌تر مفروضات فوق‌الذکر به مفاهیم کلیدی و اصلی این مکتب توجه کنند و به‌طور ساختاری پایه‌های این مکتب شهودی عقلانی را درک کنند.

تعریف روان‌شناسی

از نظر مکتب روان‌شناسی وحدت، روان‌شناسی، علم مطالعه‌ی گرایش فطری وحدت‌مدار احساسات و عواطف، اندیشه و شهود و رفتار فردی و بین فردی است. در هر کنشی انگیزه‌ای فطری مولد و محرک فعالیت آن است و غایت خود را رصد می‌کند و فرایند و هدفی وحدت‌مدار دارد. در مکتب روان‌شناسی وحدت‌مدار، موضوع روح در کنار روان بحث می‌شود و روح را صورت و گستره‌ای از روان می‌داند. به عبارتی دیگر در این مکتب «روان» بخشی از گستره‌ی وسیع «روح» است و «روان» از جنس همان روح و بخشی از تظاهرات آن است که جلوه‌گر شده است. بخش بزرگی از حواس و قوای آن پنهان و ناهشیار است.

مفهوم فطری بودن

در روان‌شناسی وحدت‌مدار ماهیت و خمیرمایه‌ی ظرفیت‌ها و استعداد‌های مغز، گستره‌ای فطری است و چیزی بیرون از خودش ساخته نمی‌شود و از درون تجلی و شکوفا می‌شود. مغز و جسم انسان ذره‌ای از وجود و ماهیت و فطرت واحدی است که در جهان تبلور پیدا کرده و ذات

پنجم: ساختار روان و شخصیت انسان ظرفیت‌هایی در دو حوزه‌ی هشیار و ناهشیار است. ظرفیت‌های ناهشیار یا ناخودآگاه، از حواس مغزی وسیع و سریع هستند که ادراک‌های آنی، الهامی، خلاق و بصیرت را تولید می‌کند و گستره‌ی وسیعی از معرفت و فهم بشری را می‌سازد و نیرویی مثبت و راه‌گشا و در ظاهر ماورایی یا غیبی ذهن انسان است. اگر ظرفیت‌های شهودی مثبت به‌کار گرفته نشود، بخشی از ناخودآگاه تحت تأثیر خیال‌بافی از الهامات و فرضیات و خیالات منفی می‌شود و فکر و هوشیاری شخص محدود می‌شود.

ششم: انسان سیری تحولی و جاودانه را می‌پیماید و همیشه ماندگار است و زندگی در کهری خاکی ابتدای رشد و تحول روانی است. روان انسان که دربرگیرنده‌ی همه‌ی فعالیت‌های ذهنی، عاطفی، شهودی و اجتماعی هر شخص است، به‌صورت نیرویی مستقل و هشیار، پس از تحول (مرگ) باقی می‌ماند و به رشد و زندگی بالنده، تحولی و شکوهمند خود ادامه می‌دهد.

هفتم: عشق انگیزه‌ی اصلی همه‌ی فعالیت بشری است و فقدان عشق و یا از دست دادن آن چه واقعی و چه خیالی، ریشه‌ی نفوذ خیالات منفی و عادات مرضی و اختلالات روانی است. کمبود عشق به‌صورت ترس از دست دادن تعلق و تملک تجلی می‌کند و احساس تنهایی و بی‌کسی را از اعماق درون، بیرون می‌آورد. وقتی عشق نباشد ترس، غم، نگرانی و تزلزل و آشفتگی بروز می‌کند. بر این اساس فرایند بازسازی «اتصال وحدانی» توأم با توجه و علاقه‌ی متناسب با مقاطع مختلف، رویکرد وحدت‌درمانی است. اتصالی وحدانی که باعث احساس ایمنی و سازگاری و پذیرش و خشنودی در هر وضعیت می‌شود.